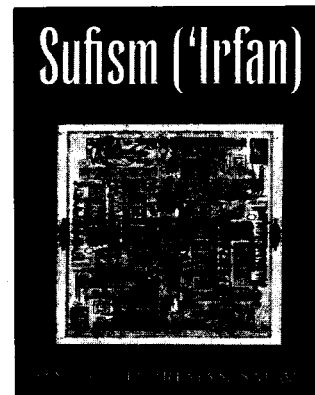


معرفی‌های اجمالی

تصوف (عرفان)؛ سیدقهرمان صفوی (سروراستار)؛ لندن: آکادمی مطالعات ایرانی، ۲۰۰۹، ۴۰۸ ص.



اخیراً کتابی با مشخصات زیر درباره عرفان اسلامی در لندن منتشر شده است:

Sufism (Irfan), ed. Seyyed Ghahreman Safavi, London, Academy Of Iranian Studies, 2009, 408 P

اهمیت این مجموعه در چند چیز از جمله معرفی ابعاد عرفان اسلامی توسط کارشناسان و متخصصان عرفان و تصوف اسلامی و تحلیل جنبه‌های عرفان اسلامی از منظر تفکر ایرانی و شیعی است. برای اولین بار است که چنین مجموعه‌ای در غرب با هدف اطلاع‌رسانی و معرفی ابعاد عرفان عرضه می‌شود. این مجموعه توانسته در بین اقشار فرهنگی و پژوهشگران غربی جای باز کند و مقبول واقع شود. این نوشتار ابعاد مختلف این طرح را معرفی می‌کند. امید است نسل جدید ایرانیان در غرب اهتمام بیشتری به اینگونه کارها داشته باشند.

ساختار تنظیم مطالب: این کتاب مجموعه‌ای از ۲۱ مقاله

است که در شش فصل سامان یافته است. عناوین فصل‌ها و مقالات و نام مؤلفان آنها چنین است:

فصل اول: تصوف عملی و نظری

۱. باطن‌شناسی نظری و تصوف دکترینی و اهمیت آنها در عصر حاضر، سیدحسین نصر (دانشگاه جورج واشنگتن).
۲. عرفان عملی در اسلام، سیدقهرمان صفوی (دانشکده سواَس در لندن).

فصل دوم: تصوف و تشیع

۳. تصوف و تشیع: رابطه ماهیستی و تاریخی آنها، سیدحسین نصر (دانشگاه جورج واشنگتن).
۴. تشیع، تصوف و عرفان، حاج نورعلی تابنده، مجذوب علیشاه.

فصل سوم: مبانی عرفان

۵. حقیقت عرفان، محسن اراکی (مرکز اسلامی انگلستان).
۶. جایگاه عرفان در سلسله مراتب علوم اسلامی، محسن اراکی (مرکز اسلامی انگلستان).
۷. عشق در عرفان، محسن اراکی (مرکز اسلامی انگلستان).
۸. درباره اسفار اربعه (رساله التحقیق فی اسفار الاربعه)، ابوالحسن رفیعی قزوینی (متوفای ۱۹۷۵) و ترجمه و شرح سیدسجاد رضوی (دانشگاه آگزتر انگلستان).

فصل چهارم: علم‌شناسی عرفان

۹. علم‌شناسی عرفان (بخش اول)، سیدیحیی یثربی (دانشگاه علامه طباطبایی ایران).
۱۰. علم‌شناسی عرفان (بخش دوم)، سیدیحیی یثربی (دانشگاه علامه طباطبایی ایران).

مقاله بیاورد؛ در هر حال او باید در دیگر طرح‌های مشابه در آینده، نسبت به رفع این نواقص اقدام کند.

دیدگاه‌های ویراستار: شخصیت و دیدگاه‌های ویراستار معمولاً در ساختار و محتوای مجموعه‌ها مؤثر است. دکتر صفوی به عنوان ویراستار این مجموعه، دیدگاه‌های خود را در مقدمه مطرح کرده است. برای شناخت کل مجموعه، مطالعه مقدمه و دریافت آرای ویراستار سودمند است؛ از این رو بر مطالب مقدمه مروری خواهیم داشت. پیش از آن به اجمال شخص صفوی معرفی می‌شود:

سیدقهرمان صفوی دارای دکتری فلسفه از آکادمی مطالعات ایرانی در لندن است. او از اعضای هیئت علمی دانشگاه لندن می‌باشد. وی از سادات و نوادگان شیخ صفی‌الدین اریلی است. آثار و مقالاتی درباره‌ی موضوعاتی مثل فلسفه ملاصدرا، رومی، مثنوی و عرفان منتشر کرده است. او از مقاله‌نویسان نشریه (Transcendent Philosophy) (فلسفه متعالی) است و مدیریت این مجله را هم برعهده داشته است. ایشان تا میانسالی در حوزه علمیه قم مشغول تحصیل بوده و همزمان در دانشگاه رشته‌های فلسفه تحصیل کرده است و برای تحصیلات عالی به انگلستان کوچ نموده است. وی با موفقیت مدارج علمی را طی می‌کند و به کرسی استادی می‌رسد.

صفوی مقدمه را با پرداختن به اهمیت عرفان آغاز می‌کند و عرفان را جوهره‌ی اسلام معرفی می‌کند. برخی خاورشناسان اسلام را دین شمشیر و خشونت و مسیحیت را دین معنویت و محبت دانسته‌اند، ولی کارنامه و میراث اسلام نشانگر این است که محبت و معنویت جایگاه ویژه‌ای در اسلام دارد؛ به همین دلیل متفکران مسلمان کارنامه‌ی درخشانی از آثار عرفانی و عشقی بر جای نهاده‌اند. انسان به کمک عرفان می‌تواند به وحدت الهی و تکامل برسد. عرفان تشویق یا باطن‌شناسی نظری که در فرهنگ اسلامی به آن عرفان نظری گفته می‌شود، تحت الشعاع دو محور مهم و اصلی، یعنی وحدت وجود و انسان کامل قرار دارد؛ بر این اساس انسان‌شناسی و جهان‌شناسی عرفانی بر پایه‌ی ارتباط عالم صغیر و عالم کبیر شکل گرفته است. عرفان عملی به چگونگی سیر و سلوک انسان، نبرد او با امیال حیوانی و تلاش او برای وصول به خداوند می‌پردازد. عرفان نظری و عملی در واقع یک نظام فرهنگی کامل است که حیات مطلوب معنوی انسان را می‌سازد.

در عرفان نظری و عملی، عشق و محبت یک مقوله‌ی محوری

۱۱. علم‌شناسی عرفان (بخش سوم)، سیدیحیی یشری (دانشگاه علامه طباطبایی ایران).

۱۲. علم عرفان نزد ملاصدرا، شهرام پازوکی (مؤسسه فلسفه ایرانیان در ایران).

۱۳. مفهوم و اهمیت معرفت در تصوف، رضا شاه کاظمی (مؤسسه مطالعات اسلامی لندن).

فصل پنجم: چهره‌های صوفی

۱۴. مروری بر زندگی و علم‌شناسی ابوحامد غزالی، مایکل مومیس (CSIC دانشگاه بیرمنگام).

۱۵. تفسیری از روانشناسی ابن عربی در حاکمیت الهی پادشاهی انسان، لیث صباح السعود (دانشگاه پوردو ایالات متحده آمریکا).

۱۶. حضور عبادت در هستی‌شناسی و کلام ابن عربی، لیث صباح السعود (دانشگاه پوردو ایالات متحده آمریکا).

۱۷. نگاهی مختصر به زندگینامه رومی، مهوش السادات علوی (آکادمی مطالعات ایرانی لندن در انگلستان).

فصل ششم: عرفان تطبیقی

۱۸. دیدگاه افلاطون و ابن عربی درباره‌ی عشق، سلام بشیر (دانشگاه یوتا در ایالات متحده آمریکا).

۱۹. ساتوری، روشنفکری و عرفان: تأملی بر پرسش شناخت فردی، سیدجواد میری (دانشگاه بریستول ایالات متحده).

۲۰. صعود معنویت در دین بودا، مسیحیت و اسلام: بررسی عرفان تطبیقی، عبدالکبیر حسین سولیهو (دانشگاه اسلامی بین‌المللی مالزی).

۲۱. گزیده‌ی کتاب‌شناسی عرفان/تصوف، سیدصدرالدین صفوی (دانشگاه سوآس لندن).

این مجموعه برای همه‌ی ابعاد عرفان اسلامی کافی است و همه‌ی جوانب آن را به صورت یک نظام هماهنگ برای کسانی که در غرب به اطلاعات کلی و همه‌جانبه نیاز دارند، معرفی می‌کند. از این سیزده نویسنده، نه تن ایرانی‌اند و چهار مؤلف دیگر، دو نفر عرب یک نفر آمریکایی و یک نفر هم مالزیایی است. با اینکه نمی‌توان گفت همگی در موضوع مقاله خود تخصصی کافی دارند، ولی تبحر همه‌ی مؤلفان مورد تأیید است؛ نیز جای برخی موضوعات تطبیقی و مقایسه‌ای خالی است و از طرف دیگر برخی مقالات بیش از حد بلند است؛ البته ویراستار می‌توانست تنوع مقالات را افزون‌تر کند و از متفکران بیشتری

است و مجموعاً رسیدن انسان عاشق به خداوند معشوق را سامان می‌دهد. عرفان در واقع برنامه‌ریزی برای سه مرحله گذشته، حال و آینده انسان است و انسان سالک را از مقامات مختلف عبور می‌دهد تا به مرحله فنا برسد. در اینجا انسان جانشین خداوند خواهد شد. این اعمال و نیات مبتنی بر نظریاتی است که مجموعاً سیر الی‌الله نامیده می‌شود و انسان با تهذیب و خودسازی و خالص شدن به این سفر قدم می‌گذارد که این نیاز جدی بشر امروز است.

جوامع صنعتی و پیشرفته بیش از دیگران به برنامه‌های عرفانی نیاز دارند؛ زیرا انسان در این جوامع همه چیز دارد مگر آرامش درونی و معنویت. این خلأ و کمبود با عرفان کامل و مرتفع می‌شود.

در ادامه صفوی مدعی است: با استفاده از روش‌شناسی پژوهشی غرب و منابع اولیه اسلامی سعی شده تصویر جامعی از عرفان و معنویت اسلامی ارائه گردد تا برای آن دسته از پژوهشگران غربی که به دنبال نسخه و راهکاری برای حل مشکلات و بحران‌های معاصرند، کاملاً سودمند باشد.

هرچند اکثر مقالات این کتاب در نشریه «Transcendent Philosophy» به چاپ رسیده‌اند، اما در اینجا طرح دیگری روی آنها اعمال شده است تا عرفان به صورت یک نظام ارائه شود.

غیر از مباحث نظری و تئوریک تلاش شده است دیدگاه‌های عینی کسانی مثل غزالی، مولوی و ابن عربی معرفی و تحلیل شوند؛ به هر حال این مجموعه با این ذهنیت آماده شده است که مشکلات و بحران‌های روحی-روانی بشر در جوامع غربی با عرفان اسلامی درمان پذیر است. دکتر کینگ از استادان مشهور دانشگاه لندن و از اسلام‌شناسان سرشناس در معرفی این کتاب چنین نوشته است: «کتاب عرفان شرحی بر بعد معنوی اسلام است. این کتاب شامل مقالاتی به قلم مشهورترین و برجسته‌ترین پژوهشگران تصوف و اسلام است که طیف وسیعی از عناوین مانند عرفان نظری و عملی، عرفان و تشیع، مبانی عرفان اسلامی، علم‌شناسی عرفان، معرفی چهره‌هایی مانند غزالی، ابن عربی و رومی را دربر دارد. عرفان تطبیقی و کتاب‌شناسی عرفان هم بخش دیگری از این اثر است. این کتاب بدون شک یکی از بهترین و اساسی‌ترین آثار علمی درباره عرفان پژوهی اسلامی است.

امید است فرهنگ غنی اسلام در ابعاد مختلف حقوقی، اقتصادی و اخلاقی به درستی به جهان معرفی شود و قوت‌ها و

کارآمدی این فرهنگ در اختیار بشر بحران‌زده غرب قرار گیرد تا بتوانند از راه حل‌های این فرهنگ بهره‌مند شوند.

اهمیت: این مجموعه ابعاد مختلفی دارد و از چند جهت قابل توجه می‌باشد: برخی از آنها را برشمردم، اما نکات دیگری هم هست که به اهمیت آن می‌افزاید؛ این نکات به اجمال معرفی می‌شوند.

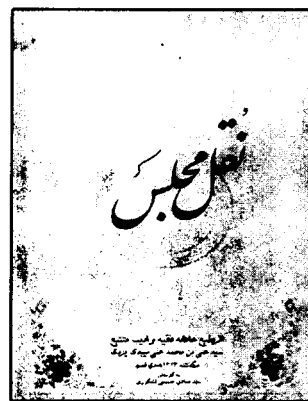
۱. هانری کربن با شاگردی نزد علامه طباطبایی و دیگر دانشمندان شیعه در جایگاه سفیری قرار گرفت که پیام معنویت و عرفان اسلام را به گوش اروپاییان رساند و غرب را با پدیده جدیدی آشنا کرد؛ اما از دوره کربن تاکنون عرفان از طریق آثار خاورشناسان یا پژوهشگران اهل سنت معرفی شده است و این اثر نخستین کتابی است که از منظر تشیع و ایران در غرب منتشر شده است.

۲. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی افرادی با انگیزه تحصیل یا تجارت به غرب کوچ کردند و در کشورهای غربی اقامت گزیدند. پس از پیروزی انقلاب در ایران این روند توسعه یافت؛ به طوری که هم اکنون شاهد نسل سوم مهاجران هستیم. در هر سه نسل کمتر افرادی را سراغ داریم که به ترویج آموزه‌های شیعی و معارف دینی همت گمارده باشند؛ اما این اثر گویای آن است که دوره‌های جدید آغاز شده و مهاجرانی هستند که در خود دغدغه ترویج معنویت و تشیع دارند. کسانی مثل سیدحسین طباطبایی و سیدقهرمان صفوی، هرچند اندک، اما رو به ازدیاد هستند.

۳. افرادی که با پیشینه حوزوی به غرب مهاجرت کرده‌اند، مثل روحانیونی که در ایران از حوزه به دانشگاه مهاجرت کردند و منشأ آثار فراوان شدند؛ مرحوم بدیع الزمان فروزانفر، مرحوم سیدجعفر شهیدی و مرحوم سیدجلال همایی و از افراد در قید حیات کسانی مثل غلامحسین ابراهیمی دینانی، نسل مهاجر به دانشگاه بودند که اکثر تحولات علمی و فرهنگی دانشگاه‌های مدیون آنهاست. همین افراد در غرب هم به ظهور می‌رسند و سرنوشت تحولات جریان‌های علمی و فرهنگی در مراکز آکادمیک غرب را رقم می‌زنند.

۴. شاید بتوان خلاف این نظریه را هم ثابت کرد که کوچندگان به غرب در فرهنگ و تباهی آنها گرفتار آمده‌اند؛ در کشورهای غربی هم می‌توان به عرفان نظری اندیشید و به عرفان عملی عمل کرد.

نقل مجلس؛ سیدعلی بن محمد علی میبدی یزدی (م. ۱۳۱۳ ق)؛ به کوشش سیدصادق حسینی اشکوری؛ چاپ ۱، قم: مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۸۷.



از دیرباز، زبان شعر، همواره زیباترین و سهل‌ترین وسیله انتقال آموزه‌های مختلف بشری و بهترین وسیله یاددهی بوده است؛ و چه بسا علمی که برای تسهیل تعلیم و ترغیب متعلم به زبان شعر تألیف یافته‌اند و مهر جاودانگی را بر تارک خود حک کرده‌اند؛ همچون منظومه‌های طبی، نجومی، کیمیاگری و دیگر متون منظوم علوم و فنون، حکمی و اخلاقی و مانند آن. به قول نظامی عروضی در «چهار مقاله» که فرموده است: «... چنان که شعر در هر علمی به کار می‌شود، هر علمی در شعر به کار می‌شود»، پس «علم» و «شعر» رابطه‌ای متقابل و ناگسستی با هم دارند.

حال، منظومه‌های اخلاقی و حکمی، رمزینه و نمادینه و همچنین تمثیلات عرفانی که به زبان شعر روایت شده‌اند، خود جای دیگر دارد؛ چه اینکه همواره، زیباترین حالات درونی بشر به زبان شعر تبلور یافته است و البته دلنشینی آن صد چندان چیزی است که در نثر می‌تواند وجود داشته باشد.

یکی از آثار ارزنده‌ای که در سده پیشین «در تفسیر صفات ذمیه بشری» و ارشاد نفس انسانی در وصول به عالم متعالی به رشته نظم درآمده است، کتاب نقل مجلس، اثر طبع فقیه و ادیب متتبع سده چهاردهم هجری، سیدعلی بن محمدعلی میبدی یزدی است که به سال ۱۳۱۳ هجری قمری وفات یافته است.

مثنوی نقل مجلس ایشان که توسط محقق ارجمند جناب حجت الاسلام سیدصادق حسینی اشکوری با تصحیح و تحشیه مدقانه و به صورتی زیبا در سلسله آثار منتشره مجمع ذخائر اسلامی (قم) به چاپ رسیده است، مشتمل بر ۳۲۰ بیت اخلاقی-عرفانی است که آن را به پیروی از «نان و حلوا»ی شیخ بهاء‌الدین عاملی (شیخ بهایی) سروده است.

سراینده این منظومه اخلاقی در ابتدا تصریح می‌کند: مراد از «نقل مجلس» دنیاست؛ دنیای انسان غافل که فقط ظواهر

پوشالی آن دیده و سرمست زیبایی‌های آن شده است.

«میبدی در این نقل‌های پطرأوت، انسان غافل را با پابند و اندرزهایش، از خواب غفلت بیدار می‌سازد و با هشدارهای عارفانه‌اش از کژروی‌های نفس سرکش باز می‌دارد و می‌آگاهاند و به راه راست که همان راه حق است، هدایت می‌کند. انسان از خود فراموش شده را که از زندگی در این جهان به چیزی جز عیش و نوش و خوشگذرانی نمی‌اندیشد، به خود آورده، هدف اصلی خلقت را به وی نشان می‌دهد تا از زندگی زودگذر درک صحیحی داشته باشد و راه بندگی حق را چنان که باید و شاید بیسماید و جایگاه خود را در حیات جاوید بیابد.»

اگرچه به ظاهر در نگاه اول، این رهنمودهای عرفانی به نظر نمی‌آید، سراینده صرفاً راه عرفای ظاهرین را که جز الفاظ به هم پیوسته چیزی ندارند، نپیموده است، بلکه از آیات قرآنی و فرموده‌های حضرات معصومین (علیهم السلام) بهره‌های فراوان برده و گفته‌های آنان را فراراه خود ساخته است و عرفان حقیقی را فقط در راهنمایی آنان می‌داند و جز آن را-بلاخص در بند چهاردهم و پانزدهم- نادرست می‌شمارد و پیروی از صوفیان و عارفان ظاهرین را گمراهی می‌داند.

این منظومه در نوزده بند، مشتمل بر یک مقدمه و یک خاتمه و هفده بند با عنوان «تفسیر» (ابراز نفرت کردن) آمده است. در خاتمه نیز به مقامات والای اهل بیت عصمت و طهارت (ع) اشاره نموده است.

عناوین بندهای کتاب به شرح ذیل است:

۱. تفسیر از لهُو؟
۲. تفسیر از پَر خوردن؟
۳. تفسیر از کسب بی تقوا؟
۴. تفسیر از تجارت بی عبادت؟
۵. تفسیر از هوس‌های بی فایده؟
۶. تفسیر از جمع مال حرام؟
۷. تفسیر از غرور؟
۸. تفسیر از کسالت؟
۹. تفسیر از بی قیدی ابلهان؟
۱۰. تفسیر از تعشق‌های مجازی؟
۱۱. تفسیر از عادات؟
۱۲. تفسیر از مرشدان جاهل؟
۱۳. تفسیر از زهد بی معنا؟
۱۴. تفسیر از ذکر صوفی‌ها؟
۱۵. تفسیر از عارفان رسمی؟
۱۶. تفسیر از منصب بالاتر خواستن؟
۱۷. تفسیر از غفلت.

مصحح محترم کتاب یادآور شده است: اثر حاضر که یکی از آثار پرتنوع علامه ادیب و فقیه متتبع، سیدعلی پسر سیدمحمدعلی میبیدی یزدی است، از روی نسخه خطی ای که نزد نوۀ ایشان، حجت الاسلام سیدناصر میبیدی بوده، تصحیح و به چاپ رسیده است.

و آغاز آن، چنین است:

نقل مجلس چیست؟ این دنیای تو
شد ز شهادش شکرین لب های تو
یاد وصلش کرده ای ورد زبان
در دلت جا کرده چون روح روان
نگرد چشمت به جز سیمای او
نیست در گوشت به جز آوای او
دست امیدت به سوی او بلند
بسته پای آرزویت در کمند ...

و چنین انجام می پذیرد:

شیعه ای در اسم و ظلّی در نهران
پس ادا کن فرض حق این و آن
جز و روحانی و فضل طینتی
همره کن تایبایی قیمتی
باش بر فرمان شان در هر مقام
دیگری شناس و باقی والسلام

یوسف بیگ باباپور

تاریخ شهر خوراسکان و روستای راران؛ نادرقلی نادری رارانی؛ اصفهان: فرهنگ مردم، چاپ اول، ۱۳۸۷ ش، ۴۴۰ ص، وزیری (گالینگور)، مصور (رنگی)، نقشه، جدول، نمایه، کتاب نامه، ۱۰۰۰ نسخه، ۷۰۰۰ تومان.

تاریخ شهر خوراسکان و روستای راران

نادرقلی نادری رارانی

اصفهان
ش ۱۳۸۷

خوراسکان روستایی بزرگ و آباد است که در سمت مشرق اصفهان قرار گرفته است. کتاب حاضر به تاریخ این روستا می پردازد.

نویسنده کتاب، متولد ۱۳۱۷ خورشیدی در روستای راران از توابع شهر خوراسکان اصفهان است. او علاوه بر کشاورزی، از تحصیل علوم قدیم و جدید، غفلت نکرده، بیش از چهارصد سفر تحقیقی به چهار گوشۀ جهان داشته، شهرهای مشهور دنیا را چندین بار از نزدیک دیده است و با موزه ها و مراکز فرهنگی دنیا ارتباط برقرار کرده است.

دستاورد این جهانگرد معاصر از آن سفرهای به یادماندنی، خاطرات، عکس ها، نوارهای ویدیویی و صوتی زیادی از دانشمندان و بزرگان و آثار باستانی و تاریخی است. او همچنین نسخه ها، اسناد خطی و قرآن های نفیس را از گوشه و کنار در کتابخانه خویش گرد آورده است.

از آثار مکتوب او که به چاپ رسیده است، باید به چندین مقاله و کتاب سفرنامه مکه و مدینه اشاره کرد.

در این میان، همواره کوشش او تهیه کتابی درباره تاریخ زادگاه خویش بوده که اکنون پس از سال ها تلاش، فراهم آمده است. مؤلف، سالیانی دراز به گردآوری مواد خام برای این کتاب اشتغال داشته، تنظیم و تدوین کتاب نیز پنج سالی به درازا کشیده است.

در ارزش کتاب پیش رو همین بس که بگوییم بسیاری از مطالب آن، برای نخستین بار عرضه می شود. از دیگر فواید کتاب، اشاره به تاریخ معاصر خوراسکان و از نظر دور نداشتن وقایع اخیر است. نویسنده به سبک قدما، در جای جای کتاب، به پند و اندرز خوانندگان می پردازد و توصیه می کند از مطالعه تاریخ و زندگی گذشتگان خود درس عبرت گیرند؛ همچنین به مسئولان، سفارش پاسداشت آثار تاریخی در حال تخریب را می کند و از آنان می خواهد به باز زنده سازی و احیای فرهنگ این مرز و بوم توجه ویژه نشان دهند.

کتاب حاضر در دوازده فصل به سامان رسیده است:

فصل نخست «موقعیت تاریخی و جغرافیایی» نام دارد و در یک بررسی کوتاه به اقلیم خوراسکان در طول تاریخ می پردازد. فصل دوم «آداب اجتماعی و آداب و رسوم» مردم نام گرفته است. در این فصل، شیوۀ زندگی اهالی خوراسکان در گذشته و حال بیان می شود. نحوه برگزاری مراسم ازدواج، ترحیم و نماز جمعه از جمله مطالبی است که در این فصل به چشم می خورد. شرح حال پزشکان، پهلوانان و شهیدان نیز در این فصل ذکر شده است.

فصل سوم عنوان «وضعیت فرهنگی» را بر خویش دارد و مفصل ترین فصل این کتاب به شمار می رود. در این صفحات، به کتابخانه ها، نمایشگاه ها، مجتمع های فرهنگی و مراکز

ارضی، انقلاب اسلامی، بمباران هوایی و جنگ تحمیلی اشاره شده است. گزارشی از همایش سلمان فارسی و جی شناسی در خوراسکان، پایان بخش این فصل از کتاب است.

فصل یازدهم با عنوان «مؤسسات دولتی و خدماتی» به تأسیس بهداری، پست، کارخانه برق، قند، بانک، دفتر خانه، پاسگاه و شهرداری پرداخته است.

فصل دوازدهم «تاریخ روستای راران» را بررسی می کند. در این فصل، منار راران به عنوان تنها اثر تاریخی این ناحیه و محمد بدرارانی، زید بن ثابت و فرزندش خلیل به عنوان محدثان راران معرفی شده اند؛ همچنین زندگی نامه کوتاهی از عالمان و کاتبان این منطقه آمده است. و در پایان:

مطالب نویسنده درباره تاریخ کهن، برگرفته از شنیده ها، اسناد تاریخی، نسخه های خطی و در زمینه تاریخ معاصر، برداشت از دیده ها و مشاهدات مستقیم و در واقع، تکیه بر تحقیقات میدانی است. این منابع موثق برای ارائه چنین کتابی بسنده می نمود و دیگر نیازی به نقل قول از آثار دست چندم نبود؛ به سخن دیگر، گاهی ارجاعات به منابع غیر موثق و نامربوط، از ارزش کتاب کاسته اند.

ارجاع به منابع، گاه در پاورقی و گاه در متن صورت گرفته و در ضمن، فهرست منابع و مآخذ برای کتاب پیش بینی نشده است. نثر کتاب، بسیار قدیمی و برای جوانان امروز اندکی ثقیل و دشوار است؛ به هر حال نیاز به ویرایش در سرتاسر متن احساس می شود.

در وجه تسمیه «خوراسکان»، جای پژوهش بیشتر هنوز باقی است. نویسنده بر آن است که خوراسکان از دو کلمه خور و اسکان تشکیل شده به معنای جایگاه خورشید (ص ۲۳)، در حالی که کلمه نخست، فارسی و دومی عربی است که امکان جمع آن دو در یک ترکیب، نادرست می نماید. اگر هم صورت خوراسکان را درست بدانیم، اسکان، بخش دوم کلمه به شمار می رود نه اسکان.

ذکر توابع خوراسکان و تقسیم بندی های آن از لحاظ جغرافیایی همانند ابر، پژوه و بوزان مورد غفلت واقع شده است. لازم بود برای استخراج کاتبان و خوشنویسان خوراسکانی، جست و جوی بیشتری در فهرست نسخه های خطی منتشر شده از کتابخانه های ایران و جهان صورت پذیرد.

مطالب، نیاز به دسته بندی بهتر و دقیق تر دارند؛ چراکه کاتبان و خوشنویسان در دو فصل جداگانه ذکر شده اند و زندگی هریک از بزرگان و مشاهیر به صورت پراکنده به چشم

آموزشی قدیم و جدید همانند مکتب، حوزه علمیه، مدرسه و دانشگاه پرداخته شده است.

فصل چهارم با عنوان «کاتبان» به کاتبان قرآن و کتب ادعیه می پردازد، سپس از علما، دانشمندان، عارفان و شاعران خوراسکان نام می برد و شرح حال هریک از آن بزرگان را می آورد. احمد لقمانی، ناهید طیبی، سیدحسن حسینی ابری و رسول جعفریان از جمله مشهورترین نویسندگان معاصر این ناحیه به شمار می روند که زندگی آنان در صفحات پایانی فصل آمده است.

فصل پنجم «روحانیان» نام دارد. با مطالعه این فصل درمی یابیم که آخوند ملا محمدباقر، حاج آخوند، معین الذاکرین، ربّانی، علوی و فقیهی از مشهورترین روحانیان قدیمی به شمار می رفته اند.

فصل ششم «رجال و مشاهیر» نام گرفته و به زندگی سلمان فارسی، شاه میر وزیر دربار هند، باقرشاه، آکوچک و سراج الذاکرین پرداخته است.

فصل هفتم با عنوان «حرفه و هنر» به شرح مشاغل قدیم و جدید روی می آورد و از زندگی هنرمندان خوراسکانی پرده برمی گیرد. قالی بافی، خاتم کاری، منبت کاری، نجاری، گره چینی و خوشنویسی از جمله مهم ترین فعالیت های هنرمندان این ناحیه، در طول تاریخ بوده است.

فصل هشتم «اماکن مذهبی» نامیده شده است. امامزاده ابوالعبّاس از نوادگان حضرت ابوالفضل (ع) از مهم ترین اماکن مذهبی شهر خوراسکان است؛ مکانی که خود، مایه رونق آن شهر را فراهم آورده، بسیاری از بزرگان اصفهان و منسوبان به آنها در جوار آن خفته اند؛ از جمله آنان می توان به آیت الله سیداحمد فقیه امامی، استاد صیرفیان و متعلقه آیت الله سیدمحمدعلی روضاتی اشاره کرد.

امامزاده اسحاق، امامزاده باقر، امامزاده شاه میر قوام الدّین و امامزاده مختار (چنگان) از دیگر اماکن مذهبی این شهرند.

همچنین مساجد، تکایا، حسینیه ها و سقاخانه ها از دیگر مکان های مذهبی خوراسکان به شمار می روند که در این فصل به چگونگی شکل گیری و سابقه هریک از آنها پرداخته شده است.

فصل نهم «آثار تاریخی» نام دارد. یخچال هزارساله، حمام نقاشی، حمام خان، کبوترخانه و خانه مرحوم آرابی به عنوان مهم ترین آثار تاریخی این ناحیه بر شمرده شده اند.

فصل دهم «رویدادهای تاریخی» نام گرفته است. در این فصل به فتنه افغان و دلیل مصونیت خوراسکان از این فتنه، قحطی، گرانی، مشروطه، کشت تریاک، عزاداری، اصلاحات

می خورد. بهتر بود همگی در پی یکدیگر و یک جا بیایند. ناهماهنگی‌ها بسیار است؛ مهم‌تر از همه اینکه نام خوراسکان، گاه به صورت خوراسگان نیز درج شده است. فهرست اعلام، غیر فنی است. اشکالات و کمبودهای فراوان دارد و به صورت یک ستونی تنظیم شده است و فضای زیادی را به خود اختصاص داده است. فهرست تصاویر به صورت جداگانه به چشم نمی خورد. اغلاط چاپی، فراوان است که شماری از آنها اخیراً در قالب غلطنامه‌ای در دو صفحه به کتاب ضمیمه شده است؛ ولی تعداد غلطها بیش از این است.

فصل‌های چهارم تا هفتم و نهم تا دوازدهم عنوان ندارد! حروف، بسیار ریز و فاصله سطرها اندک است. چاپ خوبی صورت نگرفته است، عکس‌های رنگی اشکال دارد و حروف، کمرنگ است.

صحافی کتاب، خوش دست نیست. در مجموع باید گفت: این مطالب ارزشمند که برای گردآوری آنها سالیانی چند صرف شده و نقد عمر در راه آن از کف رفته، بهتر است به صورت خوش خوان تر و در قالبی پسندیده تر ارائه شود و در اختیار پژوهشگران تاریخ محلی قرار گیرد.

محمد رضا زاده‌وش

خاص خود مشغول است». این گروه‌های شغلی و پیشه‌وری را «اصناف» یا «اصحاب المهن» یعنی صاحبان مشاغل و کسبه یا اصحاب حرف نیز می‌گویند (صبح ابراهیم سعید شیخلی؛ اصناف در عصر عباسی؛ ص ۵۱).

اصفهان از دیرباز، شهری پراهمیت در تجارت به شمار می‌آمده و نقشی بزرگ در اقتصاد سرزمین ایران ایفا می‌کرده است و اصناف، ارکان اصلی اقتصاد کهن این شهر بوده‌اند. کلمه اصناف در مفهوم گسترده خود، شامل کسبه، بازاریان، اهل حرف، صنعتگران و پیشه‌وران می‌شد و به مفهوم محدود، به کسانی گفته می‌شد که به صنایع ظریفه و دستی مشغول بوده‌اند.

این گروه‌ها، بخش بزرگی از فعالیت‌های اقتصاد شهری و حتی روستایی را بر عهده داشتند و از آن‌جا که بیشترین احتیاجات مردم، توسط آنان فراهم می‌آمد، از اعتبار و منزلت مردمی برخوردار بودند، و چون بخشی از مخارج حکومت مرکزی، با پرداخت مالیات‌هایی مخصوص، توسط آنان به نام «بنیچه» تأمین می‌شد، روابط اصناف با دولت و حکومت نیز استحکام زیادی داشت (سیوری راجر؛ ایران عصر صفوی؛ ص ۸۶).

با گذشت زمان، با تغییر ابزار و شیوه تولید و پیشرفت صنعت، بسیاری از اصناف قدیمی که در روزگار خود، اعتبار ویژه‌ای داشت، به دست فراموشی سپرده شد؛ چنان‌که حتی نام این اصناف و نحوه و چگونگی شغل آنها نیز برای ما نامأنوس و ناشناخته است.

خواننده در متون تاریخی، به نام برخی از این اصناف برمی‌خورد و به علت عدم آشنایی با شغل و حرفه آنها از درک واقعی منزلت و اعتبار اجتماعی و اقتصادی آن صنف یا اشخاص شاغل در آن صنف، غافل می‌ماند. همچنین نام‌های خانوادگی افراد مانند چلونگر، ساغری، عطایی، زریباف، زهتاب، ابریشمکار، دباغ، علاق‌بند و... نشان از دوران رونق شغل‌های ویژه دارد که امروزه معانی آنها بر ما پوشیده است.

در منابعی چند، نام این اصناف آمده است؛ ولی توصیف این اصناف و اینکه نحوه عملکرد آنها چگونه بوده، در کمتر جایی ذکر شده است. کتاب الاصفهان نوشته میرسیدعلی جناب، و کتاب ایران در یکصد و سیزده سال پیش، اثر ارنست هولستر از منابعی هستند که به اصناف شهر اصفهان می‌پردازند. این دو کتاب، تنها فهرستی از اصناف شهر اصفهان را ارائه داده‌اند،

جغرافیای اصفهان؛ میرزا حسین خان تحویلدار اصفهانی؛ به کوشش الهه تیرا؛ تهران: اختران (ش ۱۹۵)، چاپ اول ۱۳۸۸ ش، ۱۸۶ ص، رقعی (شومیز)، ۱۵۰۰ نسخه، ۳۰۰۰ تومان.

جغرافیای اصفهان

میرزا حسین خان تحویلدار اصفهانی

به کوشش:

الهه تیرا

تهران

۱۳۸۸

صنف در لغت، مجموعه‌ای از هر چیز است و هر نوعی از اشیای صنفی، جداگانه است. مورخان قدیم، کلمه «صنف» را به شکلی به کار برده‌اند که ثابت می‌کند از آغاز برای بیان جماعات پیشه‌وری در جامعه اسلامی به کار می‌رفته است؛ برای مثال، یعقوبی در مورد شهر بغداد، می‌گوید: «هر بازاری، مخصوص کالایی است و اهل هر صنف، به تجارت

بدون هیچ توضیحی از نحوه عملکرد آنها.

اما مهم ترین منبع در زمینه اصناف قدیم، کتاب جغرافیای اصفهان نوشته میرزا حسین خان تحویلدار است. این منبع، از متون بی همتا درباره جغرافیای طبیعی و انسانی شهر اصفهان است و با اینکه حجمی بسیار اندک دارد، از متون مرجع در زمینه آمار اصناف به شمار می رود.

پژوهشگر با مطالعه کتاب پیش رو، با اصناف فراموش شده، چگونگی شغل های گذشتگان، روابط اقتصادی و منزلت های اجتماعی مردمان گذشته، آشنا می شود.

گزارشی که مؤلف از صاحبان مشاغل، خاندان های مشهور، محلات، گیاهان و جانوران، مصنوعات و مشاغل شهر ارائه می دهد، باروش میدانی گردآوری شده و در هیچ مأخذ دیگری نیامده است. بدون شک اگر کتاب او نبود، امروز کوچک ترین اطلاعی از بسیاری شغل ها نداشتیم.

مؤلف همانند دیگر نخبگان این مرزوبوم، رنج بسیار دیده و برای فراهم آوردن مطالب این کتاب، در طی چهارده سال زحمات فراوان کشیده است تا جایی که او را به خاطر اشتغال به تألیف و تحقیق، از تلگرافخانه اخراج و ماهانه اش را قطع کرده اند.

در این کتاب ارزشمند، فهرستی از ۱۹۹ شغل شهر اصفهان در دوره قاجاریه ارائه شده و نویسنده، توصیفات و توضیحات گران بهایی از نحوه عملکرد اصناف آورده است.

انشای مؤلف، سبکی ساده و صریح، همه فهم دارد و خوشبختانه از عبارات پرداززی و پیچیدگی و پیرایه های ادبی خالی است. تکیه بر مختصر گویی و ایجاز است و اطناب و پرنویسی در هیچ کجای کتاب دیده نمی شود.

آغاز به تألیف کتاب، به سال ۱۲۹۴ ق و پایان آن در ۱۳۰۸ ق / ۱۲۷۲ ش است؛ به سخن دیگر، این کتاب در زمان حکومت سلسله قاجاریه بر ایران تألیف می شود؛ زمانی که دوران طلایی اصفهان به پایان رسیده، جمعیت اصفهان رو به کاهش گذارده و دیگر پایتخت حکومت نیست؛ زمانی که صنعت ایران در زیر پای واردات فرنگی پایمال شده است؛ لوطیان، رمالان، شعبده بازان، معرکه گیران و دعائویسان بر همه جا چیره شده اند و سایه شوم بی تدبیری، مملکت را فرا گرفته است؛ از همین جهت است که نام هیچ ساعت ساز، عکاس، روزنامه نگار و چاپخانه داری در فهرست تحویلدار به چشم نمی خورد و نام بیمارستان، چاپخانه، عکاس خانه و مؤسسات تمدنی جدید به میان نمی آید.

این کتاب پیش تر در سال ۱۳۴۲ ش به کوشش منوچهر

ستوده در سلسله انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات علوم اجتماعی وابسته به دانشگاه تهران به چاپ رسیده بود. دکتر جمشید مظاهری (سروشیار) نیز تحقیقاتی بر روی آن انجام داده است که به زودی چاپ خواهد شد. پایان نامه ای هم به قلم محمدعلی مجبیری در گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان با تکیه بر این کتاب به چشم می خورد؛ اما با گذشت سالیانی دراز از چاپ نخست، چاپ دیگری از آن صورت نگرفته و تصحیح دیگری بر روی آن انجام نیافته بود. چاپ استاد ستوده، نایاب و غیر قابل دسترس شده بود و چاپ جدیدی از آن بسیار لازم می نمود.

کوشنده چاپ حاضر، به نسخه خطی نفیس و منحصر به فرد کتاب که به دست خط مصتف در کتابخانه ملی ملک نگاه داری می شود، مراجعه کرده، ولی کار خود را تصحیح ننماید است.

کتاب هیچ تعلیقه ای ندارد و اختلافات با چاپ ستوده در پاورقی ها نیامده است چون فهرست اصناف در کتاب، تمام اصناف قدیمی اصفهان را در بر نمی گیرد و در مورد برخی اصناف، توضیح و توصیفی ارائه نمی شود، سزاوار بود برای تکمیل اطلاعات، اقدام شود تا علاوه بر ذکر فهرستی از اصناف فراموش شده اصفهان، عملکرد و نحوه شغل و حرفه آنها نیز توصیف شود.

همچنین پسندیده بود اطلاعات کتاب حاضر با سیاحت نامه شاردن و لغت نامه دهخدا مقایسه شود و با مراجعه به تاریخ شفاهی و گفت و گو با کهنسالان و پیران بازاری، مطالبی بر اصل کتاب افزون گردد.

اهمیت کتابی همچون جغرافیای اصفهان به اعلام آن است؛ بنابراین ضبط صحیح اسامی، مهم ترین کار یک مصحح به شمار می رود؛ کاری که با تغییر یک حرف و جابه جایی یک نقطه، مخدوش می شود؛ متأسفانه «بوشع» به جای «بوشع» (ص ۴۱)، «آباد» به جای «آباد» (ص ۴۲)، «آبادی» به جای «آباد» (ص ۱۵۸)، «بر هلو» به جای «پز هلو» (ص ۵۵)، «جر قویه» به جای «جر قویه» (صص ۵۶، ۱۵۰) از جمله این بی دقتی ها است.

نمایه ها مبسوطتر از چاپ پیشین است؛ ولی کاستی هایی دارد و شماره صفحات با متن هم خوانی ندارد. ظاهراً صفحه آرایی در مراحل نهایی تغییراتی کرده است؛ چنان که در فهرست نویسی پیش از انتشار شمار صفحات، ۱۹۲ آمده و حال آنکه کتاب در ۱۸۶ صفحه به چاپ رسیده است.

فهرست اشخاص و مکان ها در یک جا آمده اند که بهتر بود در دو بخش تنظیم شوند.

مدخل های تکراری در نمایه بسیار دیده می شود که نیاز به

درهم کرد دارد.

انتشارات حکمت ترجمه این کتاب را به فارسی آغاز کرده و تا کنون (اردیبهشت ۸۸) چهار جلد آن را منتشر کرده است و مجلدات پنجم و ششم آن در دست آماده سازی است.

لیمن طرح دایرةالمعارف قرآن را در سال ۲۰۰۰ میلادی آغاز کرده است و آن را با همکاری ۴۳ نفر از پژوهشگران مسلمان و اندیشه‌ورزان غربی در سال ۲۰۰۶ توسط انتشارات راتلج چاپ و منتشر کرده است.

اولیور لیمن به تنهایی عهده‌دار نگارش حدود یک ششم از مدخل‌های ششصدگانه کتاب بوده است. لیمن مدخل‌های مهمی چون «اهل‌البیت»، «اهل‌الذکر»، «اهل‌السته»، «اهل‌کتاب»، «عایشه»، «اشاعره و معتزله»، «آیت‌الله‌العظمی سیدابوالقاسم خوبی»، «خلیفه»، «مسیحیت»، «ابن‌تیمیه»، «حدیث»، «ابن‌عبدالوهاب»، «فلسفه و قرآن»، «دنیای طبیعی و قرآن»، «تنبیه و گناه اصلی»، «سنت و قرآن»، «تفسیر قرآن سلفی‌ها»، «تعطیل»، «تقلید شیعه» و «شیخ مفید» و ... را خود عهده‌دار بوده است. لیمن در مدخل مربوط به آیت‌الله‌خوبی (ره) نوشته است:

خوبی به وسیله صدام حسین در بازداشت بود. او ده سال آخر عمرش را تحت الحفظ در خانه به سر برد. وقتی از دنیا رفت، صدام از تشییع جنازه عمومی که او قرار بود توسط هواداران در کوفه و نجف صورت گیرد، جلوگیری به عمل آورد. (ص ۳۴۵). وی ذیل مدخل «اهل‌البیت» به این موضوع اشاره می‌کند که: «شیعه معتقدند اهل‌البیت مورد اشاره در آیه ۳۳ از سوره ۳۳ فقط شامل محمد(ص)، علی(ع)، فاطمه(س)، حسن(ع) و حسین(ع) است».

همچنین لیمن در ضمن مدخل «اهل‌الذکر» (AHL-AL-DHIKR) مراد از این افراد را اهل‌بیت محمد(ص)، یعنی علی(ع)، حضرت فاطمه(س)، امام حسن و امام حسین(علیهما السلام) و شیعیان ایشان می‌داند. او مدخل «عایشه» را بر اساس احادیث مربوط به وی در صحیح بخاری و صحیح مسلم نگاشته است و تأکید کرده است: مرجع این روایات خود عایشه بوده است. او بر مرجعیت روایی و اعتقادی عایشه نزد بزرگان اهل سنت تأکید می‌ورزد.

ویژگی‌های دایرةالمعارف قرآن لیمن

الف) تفاوت عمده دایرةالمعارف قرآن لیمن با دایرةالمعارف قرآن لایدن علاوه بر اختصار بر نظر آقای مرتضی کریمی نیا آن است که اولیور لیمن مخاطبان خود را در میان عموم مردم غربی جستجو می‌کند؛ در حالی که جین دامن مک اولیف و هیئت تحریریه دایرةالمعارف قرآن لایدن، به متخصصان دین پژوهی و اسلام‌شناسی غربی توجه داشته‌اند؛ به عبارت

در تنظیم نام‌ها هم بی‌دقتی‌هایی دیده می‌شود: «اصفهان» به جای اصفهانی (ص ۱۵۶)، «قزوین» به جای قزوینی (ص ۱۶۸)، «ایشان» به جای اشیان (ص ۱۵۷)، «حوزدان» به جای جوزدان (ص ۱۶۱)، «ظلل‌السلطان» به جای ظل‌السلطان (ص ۱۶۴)، «شلط‌العرب» به جای شط‌العرب (ص ۱۶۴)، «یتیم‌آورد» به جای نیم‌آورد (ص ۱۶۷)، «شاهنشاهان» به جای شاهشاهانی (ص ۱۶۸).

«بید» نیز نام درخت است که در فهرست مکان‌ها آمده است (ص ۱۵۷).

محمدرضازاده‌هوش

The Quran an Encyclopedia

دایرةالمعارف قرآن: قرآن، یک دایرةالمعارف؛ سرویراستار: اولیور لیمن؛ ۷۷۰ ص، قطع وزیری، دو ستون، ۵۰ سطر، چاپ دوم ۲۰۰۷ (چاپ اول: ۲۰۰۶)، منتشر شده در لندن (و کانادا و امریکا) توسط انتشارات راتلج (گروه تیلور و فرانسیس).

هیئت تحریریه:

۱. آسماء افسردین (دانشگاه نتردام) Asma Afsaruddin
۲. ماسیمو کمپانینی (دانشگاه میلان) Massimo Campanini
۳. بهار داوری (دانشگاه سان دیه گو) Bahar Davary
۴. نواد کاتران (دانشگاه بوسنی هرزگوین) Navad Kateran
۵. آرزینا. ر. لالانی (مؤسسه مطالعات اسماعیلیه لندن) Arzinar Lalani

۶. تامارا سان کالج ویلیام آندمری امریکا Tamara Sonn
۷. برانون و هیلر (آکادمی ناوال امریکا) Brannon Wheeler
۸. استفان ویلد (دانشگاه بن آلمان) Stefan Wild

صفحه اول دایرةالمعارف، با انتهای آیه ۴۷ سوره طه شروع می‌شود:

(والسَّلَامُ عَلٰی مَنْ اَتَّبَعَ الْهُدٰی) Peace to all who follow guidance

مروری کوتاه بر زندگی علمی سرویراستار:

اولیور لیمن، متولد ۱۹۵۰ میلادی، استاد مطالعات فلسفی در دانشگاه کنتاکی امریکا و متخصص فلسفه اسلامی و فلسفه یهودی قرون وسطی است. شناخته‌ترین اثر او در ایران تاریخ فلسفه اسلام (History of Islamic Philosophy) است که با همکاری سیدحسین نصر در دو جلد توسط انتشارات راتلج در سال ۱۹۹۶ منتشر شده است (نسخه افست این کتاب در سال ۱۳۷۵ در ایران به وسیله انتشارات آرایه به چاپ رسیده است).

تمایز می‌سازد، ذهنیت و زاویه دید حاکم بر اذهان سرویراستار، هیئت تحریریه و مؤلفان این مجموعه بوده است. اگر نگوییم مؤلفان نسبت به اسلام و قرآن به طور اعم و شیعه به طور اخص تعلق خاطر داشته‌اند، قدر متیقن آن است که بگوییم برای اولین بار تلاش کرده‌اند کلیت اسلام را از منظر مسلمانان (ولو اینکه نویسندگان مدخل‌ها غیرمسلمان بوده‌اند) به عموم مخاطبان غربی معرفی کنند و از نگاه حاکم بر ذهنیت اکثر اسلام‌پژوهان غربی و به ویژه خاورشناسان که اساس و شاکله اسلام را این دنیایی و مادی می‌دانند و منکر اولویت آن هستند، پرهیز کرده‌اند؛ از طرفی این مجموعه از مؤلفان، به شیعیان چون منصرفین از منهج مستقیم اسلام ننگریسته‌اند و آنان را نماینده یک روند «کژآیینی» در برابر «درست آیینی» ندانسته‌اند؛ به عبارت صریح‌تر مؤلفان این دایرةالمعارف، شیعه را به مثابه بدعتی در دین اسلام تلقی نکرده‌اند. اکثر مستندات و منابع مؤلفان این مجموعه، علاوه بر قرآن آثار قدیمی و اصیل مؤلفان اسلامی است و کمتر به مکررات خاورشناسان استناد کرده‌اند؛ جالب آنکه در مدخل‌های اعلام این دایرةالمعارف نیز از کسانی که در دوره معاصر به عنوان بدعت‌گزار در اسلام شناخته شده‌اند، نشانی وجود ندارد.

نکته آخر اینکه اگرچه این دایرةالمعارف در لندن شکل گرفته است، ولی به نویسندگان مشهوری چون اندرو ریپی و جین دامن مک اولیف و اکثر نویسندگان مدخل‌های دایرةالمعارف اسلام (EI) و دایرةالمعارف قرآن (EQ) روی خوشی نشان نداده‌اند و فقط مدخل «وسواس» را به اندرو ریپین سپرده‌اند؛ در حالی که در فهرست نام مؤلفان این مجموعه، با اسامی خاصی که حاکی از مسلمان بودن نویسندگان مدخل دارد، چون «حسین عبدالرؤف»، «اسماء افسرالدین»، «کسیا علی»، «م. شمس علی»، «رفیق برزک»، «عدنان دمیرکان»، «یاسین محمد»، «عرفان ا. عمر»، «عبدالغفار رحیم»، «عبدالله سعید»، «هارون شاهین»، «ابراهیم سومر» و چند نام دیگر مواجه می‌شویم.

امید آنکه با ترجمه بهنگام این اثر به فارسی و عربی، همراه با برخی حواشی در ذیل مدخل‌ها به معرفی اسلام و قرآن در میان کسانی که آبشخور را تنها غرب می‌دانند، اقدام مناسبی صورت پذیرد؛ با این توجه که هم اکنون ترجمه جلد اول دایرةالمعارف قرآن لایتن توسط انتشارات حکمت زیر چاپ است.

سیدمجید پور طباطبایی

واضح‌تر این دایرةالمعارف برای افرادی طراحی شده است که بدون هیچ پیش‌زمینه‌ای و بدون مطالعه قبلی درباره اسلام و قرآن به دنبال تدارک اطلاعاتی درباره قرآن، علوم، اصطلاحات، تاریخ، ادبیات و معارف هستند.

ب) کتاب در قالب دایرةالمعارفی کاملاً دقیق و فنی طراحی شده است. هر مدخل یا اصطلاح تخصصی در جای خود به طور کامل تعریف شده است و از سایر بخش‌ها استقلال یافته است.

ج) نظام ارجاع متقاطع یا درون‌متنی بر تمام مدخل‌های کتاب حاکم است؛ از جمله ذیل مدخل علی بن ابی طالب (ع)، بیش از ۲۴ عنوان کتاب معرفی شده است.

د) در انتهای کتاب نیز، کتاب‌شناسی گزیده‌ای از مهم‌ترین کتاب‌ها و مقالات در حوزه مطالعات قرآنی، همراه با نمایه‌ای تفصیلی از اعلام، اماکن و موضوعات کتاب افزوده شده است؛ برای مثال در صفحه ۷۲۱ کتاب (در بخش کتاب‌شناسی) ذیل عنوان «محمد (ص): زندگی و آثار»، ۴۱ اثر درباره حضرت رسالت (ص) معرفی شده است که بین آنها اثر تورآرنده - که در سال ۱۹۳۶ برای اولین بار منتشر شده است - تا آثاری که در سال ۲۰۰۰ میلادی منتشر شده‌اند، به چشم می‌خورد.

و) نویسندگان مدخل‌ها از بین کسانی انتخاب شده‌اند که در زمینه مدخل و عناوین کلی حاکم بر آنها از شهرت و تخصص بیشتری برخوردار بوده‌اند؛ از جمله بیشتر مدخل‌های مربوط به شیعه، چون «علی بن ابی طالب»، «غدیر خم»، «امام و امامت»، «شیعه»، «ولی، ولایت» را خانم آرزینا. ر. لالانی نوشته است که پایان‌نامه دکترای او تحت عنوان «نخستین اندیشه‌های شیعی؛ تعالیم امام محمد باقر (ع) تحت نظارت مستقیم ویلفرد مادلونگ (نویسنده کتاب جانشینی پیامبر: پژوهشی در خلافت نخستین)» به رشته تحریر درآمده است. (این کتاب در سال ۲۰۰۰ در لندن منتشر شده است و در سال ۱۳۸۱ توسط آقای دکتر فریدون بدره‌ای به فارسی برگردانده شده و به وسیله مؤسسه نشر و پژوهش فرزاد روز در تهران به چاپ رسیده است).

ز) نکته مهم اینکه به رغم آنکه مؤلفان محترم از مؤلفه‌های علوم قرآنی غفلت نکرده‌اند، ولی به معارف قرآنی و اعلام قرآنی توجه ویژه‌ای داشته‌اند؛ وجود مدخل‌هایی چون «شیخ مفید»، «آیت الله سید ابوالقاسم خویی»، «ابن تیمیه»، «ابن حنبل»، «اشاعره و معتزله»، «عایشه»، «ابوالهذیل»، «عبدالجبار بن احمد بن خلیل»، «قاضی نعمان»، «سید نورسی»، «سید قطب»، «محمد عبده»، «جمال الدین افغانی» و نظایر اینها دلیل این مدعاست.

در پایان خاطر نشان می‌شود: آنچه این دایرةالمعارف را از سایر دانشنامه‌های غربی که درباره اسلام و قرآن نوشته شده است،